



جمع‌بندی زبان انگلیسی کنکور (سوم و پیش) | جلسه (۲) - زبان پیش

این درسنامه : نصف گرامر زبان سال پیش را پوشش خواهد داد

استاد کیاوش فراهانی گرامر زبان انگلیسی پیش دانشگاهی را در ۲ ساعت به طور کامل جمع بندی نمودند به طوری که بعد از توضیح و تدریس هر موضوع تست های مهم کنکوری (از کنکور سراسری) را تجزیه و تحلیل نمودند

ربط دهنده ها (جملات را به یکدیگر اتصال می دهند)

(conjunctions)

درس (۱) زبان (پیش)

در سوالات کنکور دروس (۱-۵-۶-۷) را ترکیب کرده و سوال می دهند پس لازمست که این ۴ درس را با هم یاد بگیرید

① سه کاربرد ربط دهنده های « زمان » (همگی به معنای وقتی که)

while - 3 as - 2 when - 1

when - 1

نشان دهنده ۲ عمل همزمان یا ۲ عملی که می توانند با فاصله از هم انجام شوند

بعد از آن فعل حالت ساده دارد (حال-گذشته-آینده)

for example

when i got home , I saw jack

meaning

هنگامیکه به خونه رسیدم ، جک را دیدم

for example

I joined the army when I was 30

meaning

من به ارتش ملحق شدم هنگامیکه ۳۰ سالم بود

while - 3 as - 2

هر دو حتما نشان دهنده دو عمل همزمان می باشند

معمولا بعد از آنها + ing فعل می آید

for example

as i was walking , I saw ali

meaning

وقتی که در حال قدم زدن بودم ، علی را دیدم

for example

while i was walking , I saw ali

meaning

وقتی که در حال قدم زدن بودم ، علی را دیدم

چون فعل بعد از جای خالی دارای ing می باشد می توان از هر دوی while/as استفاده کرد

سوال : اگر در گزینه ها هر سه ربط دهنده زمان را دادند از کدامیک استفاده کنیم ؟

اگر در سوالات کنکور as و when را با هم دادند باید به فعل بعد از نقطه چین دقت شود که آیا

ساده است یا ing گرفته است (استمراری است)

که: as و when و while می توانند در جملات به جای یکدیگر بکار روند به شریطه فقط یکی از آنها در گزینه ها آمده باشند !



② ربط دهنده « علت » \rightarrow *whether or not* (به معنای چه / که آیا)

| | |
|---|-----------------------------------|
| for example | whether you come or not I will go |
| meaning | چه بیای یا نه ، من خواهم رفت |
| در برخی سوالات <i>or not</i> قابل حذف است و در آنجا <i>whether</i> به معنای (که آیا) خواهد بود (توجه به ترجمه را می طلبد) | |

③ ربط دهنده « علت » \rightarrow *as - since - because* (به معنای چون)

| | |
|------------------------------|--|
| در اینجا ترجمه جمله الزامیست | |
| for example | Since i don't have money , I can't buy a car |
| meaning | چون پول ندارم ، نمی تونم ماشین بخرم |

بررسی *as*

| | | |
|-----------------|----------------------------------|---|
| معنای (۱) | هر چه | به شرطیکه بعد از آن صفت (برتر) تفضیلی بیاید |
| 1 - for example | As i become older . I get weaker | |
| 2 - for example | به عنوان | ...As a teacher |
| 3 - for example | همانطور که | ...As i see ... |
| 4 - for example | تا جاییکه | As fast as you can |

سوالات درس ۱- پیش دانشگاهی در کنکور

سراسری تجربی - 89 : for example

... we don't use the car very often , we decided to sell it

| | | | |
|--|-------------|------------|---------------------|
| 1 - while | 2 - since ✓ | 3 - though | 4 - whether |
| چون که ما اغلب از ماشین استفاده نمی کنیم ، تصمیم گرفتیم بفروشیمش | | | ترجمه \rightarrow |

در کنکور سالها اخیر حدود ۸۵ درصد تست ها کنکور بر رواز کار و درک مطلب تمرکز داشته است

بنابراین \rightarrow باید رواز کار را به تنبیه آخراموخت

بهترین روش آموختن واژگان در دانشگاه های خارج از کشور

ترکیب کردن کلمات با هم به صورت نمودارهای درختی یا خلاصه کردن متون کتاب درسی است

Body Parts \rightarrow قسمتهای بدن

| | | | | | | | | |
|------|-------|-------|-----------|-------|------|------|------|-------|
| arm | blood | brain | chest | heart | knee | lung | nose | skull |
| بازو | خون | مغز | قفسه سینه | قلب | زانو | ریه | بینی | جمجمه |

Function \rightarrow وظیفه

| | | | | | | | | |
|----------|-----------------|------------------------|-------------------|---------------|---------|-----------|----------|------------------|
| holding | carrying oxygen | controlling activities | protecting organs | pumping blood | bending | breathing | smelling | protecting brain |
| نگهداشتن | حمل O_2 | کنترل فعالیتهای | حفاظت اعضا | پمپاژ خون | خم شدن | نفس کشیدن | بویدن | حفاظت مغز |



| | | | |
|--|---|--------------------------|--|
| شکل فعل دوم در جمله (<i>Verb patterns</i>) | | درس (۲) زیاده (پیش) | |
| فعل به سه مدل در انگلیسی می آید | | | |
| ۱- فعل/مصدر با to | ۲- فعل/مصدر بدون to | ۳- فعل با ing (اسم مصدر) | |
| چه زمانی می توانیم از فعل بدون to استفاده نماییم ؟ | | | |
| نکته ① بعد از فعل let به معنای اجازه دادن و فعل make به معنای مجبور کردن فعل دوم به صورت بدون to می آید | | | |
| (یعنی ساده و ریشه فعل → مصدر بدون to) → let + make | | | |
| for example | I make him go | | |
| meaning | من او را مجبور کردم برود | go → sample | |
| نکته ② فعل دوم بعد از فعل help به معنای کمک کردن می تواند به ۲ شکل با to یا بدون to بیاید | | | |
| مصدر بدون to / مصدر با to → Help | | | |
| for example | she helps me (to) study | | |
| meaning | او به من کمک می کند درس بخوانم | study → sample | |
| نکته ③ اگر فعل دوم بعد از فعل help & make به صورت passive / مجهول بیاید ، حتما باید با to باشد (فعل مجهول + p.p + to be) | | | |
| مصدر با to → help & make (form of passive) | | | |
| for example | Ali was made to go | | |
| meaning | علی را مجبور کردند که برود | go → sample | |
| نکته ④ بعد از By حتما از فعل با ing استفاده کنید (اسم مصدر) | | | |
| By همیشه روش یک کار را به ما نشان می دهد | | | |
| for example | we can pass the test By studying hard | | |
| meaning | ما می توانیم امتحان خود را قبول بشیم بوسیله سخت مطالعه کردن | | |
| اسم مصدر + ing → By | | | |
| ☞ در کنکور « تلفیقی از درس ۲ پیش و درس ۲ و ۴ سال سوم » در تستها سوال طرح می شود | | | |
| سراسری ریاضی - 90 : for example | | | |
| Students were allowed ... calculator during their math exam | | | |
| 1 – used | 2 – use | 3 – to use ✓ | 4 – using |
| ترجمه | | | به دانش آموزان اجازه داده شد که در امتحان ریاضی شان از ماشین حساب استفاده کنند |
| بعد از فعل مجهول were allowed فعل حتما با to می آید | | | |
| شکل فعل دوم تابعی از زمان فعل اول نیست ! و فقط با حفظ کردن نوع فعل اول قابل تشخیص است | | | |



| | | | |
|---|--|--|--------------|
| خلاصه کردن جملات وصفی (جمله واره ها و عبارات توصیفی) | | درس (۳) زبانه (پیش) | |
| در فارسی می‌گیم ☞ میدانم که ترافیک است مخفف (خلاصه) شده ☞ میدونم ترافیکه (که - است محذوف) | | | |
| که ☞ ضمیر موصولی و قابل حذف است فعل to be قابل حذف است | | | |
| حالت شماره ① جمله معلوم | | | |
| اولین راهکار ☞ حذف گزینه هایی که افعال to be و ضمائر موصولی دارند | | | |
| for example | pepole living in this town , are kind | | |
| meaning | مردمی (که) در این شهر زندگی می کنند ، مهربانند | | |
| ✓ در تستهای کنکور جای فعل را خالی می گذارند | | که ☞ را خودمان در ترجمه لفظا اضافه می کنیم | |
| در این جمله کار توسط فاعل (مردم) انجام شده پس معلوم است و باید گزینه فعل با ing را انتخاب کنیم | | | |
| اولین راهکار ☞ باید جمله را ترجمه کنیم تا تشخیص دهیم که (معلوم یا مجهول) است | | | |
| حالت شماره ② جمله مجهول / passive | | | |
| for example | the window which was broken , wasn't replaced | | |
| meaning | پنجره ای که شکسته شد ، تعویض نشد | | |
| the window broken , wasn't replaced | شکل خلاصه شده با حذف موصول و فعل to be | | |
| در این جمله کار توسط فاعل انجام نشده پس مجهول است و باید گزینه فعل broken را انتخاب کنیم « عمل روی پنجره انجام شده است » | | | |
| در درس (۶) سال سوم « جمله مجهول » یک نکته کوچک وجود داشت و آن اینکه اگر بعد از نقطه چین کلمه By « به معنای توسط » آمده بود جمله مجهول است و جواب: فعل قسمت سوم ☞ p. p خواهد بود | | | |
| the window broken , by jim | در مثال فوق به اینصورت میشود ☞ | | |
| ترجمه : پنجره توسط جیم شکسته شد | | | |
| این قسمت بیشتر مربوط به تستهای کلوز « یک متن و ۵ تست جای خالی » است | | | |
| تست های کوتاه کردن جملات وصفی « recuction of adjective clauses » | | | |
| سراسری ریاضی - 90 : for example | | | |
| the people ... in line to get into the theater were cold and wet | | | |
| 1 - stood | 2 - stand | 3 - standing ✓ | 4 - to stand |
| مردمی که در صف ایستاده بودند وارد تئاتر شوند ، خیس شده بودند | | | ترجمه |
| سراسری ریاضی - 89 : for example | | | |
| the man ... for the best place to park his car has spent alot of time | | | |
| 1 - looks | 2 - looked | 3 - looking ✓ | 4 - to look |
| مردی که در جستجوی بهترین جا برای پارک ماشینش است ، وقت زیادی را تلف کرده است | | | ترجمه |



| | | | |
|---|---|---|---------------------------------|
| ۱- تشدید کننده ها ۲- قیدهای مقدار | | درس (۴) زبان (پیش) | |
| بخش ۱: تشدید کننده ها (قید) | | | |
| So – Such – Enough – Too | | | |
| وقتی ما بخواهیم یک صفت خوب یا بد را تشدید نماییم طوری که اغراق نماییم کنار آن از very استفاده می کنیم اما انگلیسی زبان ها از آن استفاده نمی کنند حتی در مکالمات روزمره! | | | |
| به جای very از یکسری تشدید کننده ها استفاده می کنند طبق فرمولهای خاص | | | |
| قدیمی ترین درس در کتاب های درسی همین است و سوالات کنکوری که تا به حال از این درس آمده تعدادش بیشتر از بقیه دروس است (این درس فرمولیست) | | | |
| برای تکمیل بیشتر یادگیری این درس حتما جملات کتاب درسی که به عنوان نمونه آورده شده اند به دقت بررسی و مطالعه شوند | | | |
| Enough | | به معنای به اندازه کافی (معنای مطلوب ☺) به جمله میدهد) | |
| فرمول (۱) | | فعل با to + (مفعول + for) + enough + صفت / قید | |
| for example | jim is old enough to get married | | |
| meaning | جیم به اندازه کافی بزرگ شده که ازدواج کند | | |
| (مفعول + for) به خاطر قابل حذف بود، داخل پرانتز قرار گرفته اند | | | |
| فرمول (۲) | | فعل با to + اسم + enough + Have | |
| for example | I have enough time to sleep | | |
| meaning | من وقت کافی دارم که استراحت کنم | | |
| خلاصه دو فرمول فوق | | | |
| فرمول ۱ | فعل با to + adj/adv + enough | فرمول ۲ | فعل با to + اسم + enough + Have |
| Too | | به معنای بیشتر از حد (معنای نامطلوب ☹) به جمله میدهد) | |
| فرمول | | فعل با to + صفت/قید + too | |
| for example | tom is too weak to lift the box | | |
| meaning | تام بیش از حد ضعیف که بتونه جعبه رو جا به جا بکنه | | |
| So | | به معنای آنقدر | |
| فرمول | | (فعل + فاعل) جمله کامل + That + صفت/قید + So | |
| for example | jack is so clever that he learns quickly | | |
| meaning | جک اونقدر باهوشه که خیلی سریع یاد می گیره | | |
| فرمولی | too → to | فرمولی | so → that |



| | | | |
|---|---|-------------------------------|----------------------------|
| به معنای آرنجینار | | Such ④ | |
| Such + اسم + (صفت) + That | | فرمول | |
| Such بر خلاف So که فقط صفت و قید را تشدید می کند ، بر روی اسم تأکید دارد و آن اسم می تواند صفت داشته یا نداشته باشد ! | | | |
| روتر حذف گزینه: در متن سوال اگر اسم نبود سریعاً Such را حذف می کنیم | | | |
| for example | I was such a good sport man that i could win all the competitions | | |
| meaning | من بودم آنچنان ورزشکار خوبی که تونستم ببرم همه رقابت ها را | | |
| ☼ چه زمانی such و چه زمانی (a/an) such بیاوریم ؟ | | | |
| such (a/an) | (اسم مفرد / قابل شمارش) | such | (اسم جمع / غیر قابل شمارش) |
| مثال- ۱ | | | |
| for example | such a bad boy that ... | | |
| meaning | boy مفرد و قابل شمارش | آنچنان پسر بدی که ... | |
| مثال- ۲ | | | |
| for example | such good weather that ... | | |
| meaning | weather غیر قابل شمارش | آنچنان هوای خوبی که ... | |
| اسامی غیر قابل شمارش را با استفاده از such به بنهایی | | | |
| اکثراً خوراکیها+ برف و باران +اطلاعات و ... را شامل می شود | | | |
| salt | sugar | tea | water |
| نمک | شکر | چای | آب |
| coffee | cheese | bread | gold |
| قهوه | پنیر | نان | طلا |
| milk | butter | information | noise |
| شیر | کره | اطلاعات | سروصدا |
| روتر نسبت زنی قیود تشدید کننده | | | |
| روش ① | $\frac{\text{so}}{\text{such} + \text{اسم}} = \frac{\text{that}}{\text{that} \text{ ربط دهنده}}$ | | such/so |
| | $\frac{\text{too} + \text{صفت}}{\text{enough} + \text{صفت}} = \frac{\text{to}}{\text{to} \text{ فعل با}}$ | | enough /too |
| روش ② | enough + اسم | | enough |
| اما طراح سوال هیچکدام از that یا فعل با to را نمی دهد! (راه تشخیص وجود اسم) | | | |
| ۱-اسم داریم یا نداریم | | ۲-صفت قبل از نقطه چین یا بعدش | |



همه تشدید کننده ها در یک نگاه

| | |
|--|--------|
| Have + enough + اسم + to فعل با | enough |
| enough + (for + مفعول) + to فعل با / صفت / قید | enough |
| too + صفت/قید + to فعل با | too |
| So + صفت/قید + That | So |
| Such + (صفت) + اسم + That | Such |

| | | |
|--------|--------------|---|
| Enough | (That) ☒ | (۲ حالت) اسم در جمله بانند ☞ |
| Such | (That) ☑ | |
| Too | (That) ☒ | (۳ حالت) اسم در جمله نبانند ☞ کلید « به صفت نگاه می کنیم » |
| So | (That) ☑ | |
| Enough | adj + | |

اگر That را در جمله داده باشد وجود اسم تعیین کننده بین So و Such است

| | | | | |
|--------------------------------|-----------|-----------|-------------------|----------------|
| That و فعل با to در جمله نباشد | | | That در جمله باشد | |
| So | Too | enough | Such | So |
| بعدش صفته | بعدش صفته | قبلش صفته | حتما بعدش اسمه | حتما بعدش صفته |

تشدید کننده هایی که حتما بعد از آنها فعل با to می آید

| | |
|----------------------|---------------------|
| enough ☞ تشدید مطلوب | too ☞ تشدید نامطلوب |
|----------------------|---------------------|

کنه طلایی

در جمله ای که اسم را داده باشد طراح مجبور است یا That را بدهد یا Such را در گزینه ها نگذارد!

فعل با to, That قابل حذف است و آنوقت باید به اسم یا محل صفت نسبت به جای خالی نگاه کنیم

سراسری تجربی - 92 : for example

I am sure we will succeed and get the best result as we have worked ...

| | |
|--------------------|-------------------|
| 1 - such hard | 2 - enough hard |
| 3 - so hard enough | 4 - hard enough ✓ |

مطمئن هستیم که موفق می شویم و بهترین نتیجه رو می گیریم چون به اندازه کافی سخت تلاش کرده ایم

سراسری ریاضی - 90 : for example

A. I need to talk to you about something B. Sorry , but i am ... to talk

| | | | |
|-------------|----------------|---------------|-----------------|
| 1 - so busy | 2 - too busy ✓ | 3 - very busy | 4 - busy enough |
|-------------|----------------|---------------|-----------------|

انتخاب بین گزینه ۲ و ۴ : با توجه به ترجمه و معنای نامطلوب جمله شرمنده ، من وقت ندارم صحبت کنم ☹